

درس حقوق خانواده

جلسه: اول آموزشی

تاریخ: ۲۸ بهمن ۹۸

رشته مدیریت خانواده

ترم اول

مدرس: ورمزیار

دانشکده: زینب کبری (س)

مقدمه

مفهوم خانواده

خانواده دارای دو مفهوم عام و خاص می باشد:

- ۱- خانواده به معنی عام یا گسترده، گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او که از یکدیگر ارث می برند. معیار و ضابطه این خانواده همان ارث بردن از یکدیگر است.
 - ۲- خانواده به معنی خاص یا خانواده هسته ای، عبارت از زن و شوهر و فرزندان که با هم زندگی می کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار و ضابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است.
- ریاست شوهر و پدر خانواده یک نوع وحدت و هماهنگی در امور خانواده و بین اعضای آن ایجاد می کند و از چند نفر یک گروه متشکل و متجانس می سازد. این نوع خانواده مورد حمایت قانون قرار می گیرد.

➤ اهمیت خانواده

خانواده قدیمی ترین و مهم ترین گروه اجتماعی است، و هسته مرکزی اجتماع است. خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش موثری ایفا می کند چنانچه ژوسران دانشمند فرانسوی می گوید: تاریخ به ما می آموزد که تواناترین ملتها مللی بوده اند که خانواده در آنها قوی ترین سازمان را داشته است.

قانون حمایت کننده از خانواده: در ایران حمایت از خانواده همواره مورد نظر قانونگذاران بوده و نخستین بار در سال ۱۳۴۶ قانونی با عنوان قانون حمایت خانواده به تصویب رسید و قانون مصوب بهمن ۱۳۵۳ با همان عنوان جایگزین آن شد.

نکته: اتباع ایرانی غیر شیعه در حقوق خانواده تابع مقررات مذهب خود می باشند.

➤ دادگاه خانواده

- طبق قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ دادگاه شهرستان جهت رسیدگی به دعاوی خانوادگی صلاحیت داشت.
- در سال ۱۳۵۸ دادگاه مدنی خاص پدید آمد که به گونه ای دادگاه خانواده به شمار می آمد.
- به دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق اجازه مخصوص رئیس قوه قضائیه را لازم داشت.
- در سال ۱۳۷۶ دادگاه خانواده برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی تشکیل گردید.

صلاحیت دادگاه خانواده رسیدگی به دعاوی:

- ۱- نکاح موقت و دائم ۲- طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت ۳- مهریه ۴- جهیزیه
- ۵- اجرة المثل و نحله ایام زوجیت ۶- نفقه معوقه و جاریه زوجه و اقربای واجب النفقه ۷-
- حضانت و ملاقات اطفال ۸- نسب ۹- نشوز و تمکین ۱۰- نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها
- ۱۱- حکم رشد ۱۲- ازدواج مجدد ۱۳- شرایط ضمن عقد

نکته :

- ۱- قضات دادگاه های خانواده باید متاهل و با سابقه حداقل ۴ سال کار قضایی باشند.
 - ۲- در حوزه های قضایی بخش، دادگاه عمومی بخش، قائم مقام دادگاه خانواده است.
 - ۳- دادگاه های خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن تشکیل می شود.
 - ۴- امروزه رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق (صحت طلاق و نکاح) در صلاحیت دادگاه خانواده است.
- احکام صادره از دادگاه خانواده قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان است و آراء صادره در مورد اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حَجْر و وقف قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

فصل اول : ازدواج

- نکاح در لغت به معنی ضم (پیوستن) است و در اصطلاح حقوقی، قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده ای تشکیل می دهند. تمتع جنسی از مهمترین اغراض نکاح است و اغراض دیگری مانند توالد و تناسل و همکاری در زندگی نیز در نکاح وجود دارد.

➤ اقسام ازدواج

- نکاح در حقوق ایران به نکاح دائم و نکاح منقطع (متععه و نکاح موقت) تقسیم می شود.
- نکاح منقطع از ویژگی های مذهب تشیع است و در فقه عامه آن را معتبر نمی شناسند.
- در کشورهای غربی نکاح موقت وجود ندارد و در بعضی کشورهای اسلامی مانند مراکش، عراق و سوریه ، تونس ، مصر نکاح منقطع پذیرفته نشده است.

جلسه: دوم آموزشی

ادامه فصل اول :

تفاوت بین ازدواج دائم و موقت

- ۱- تعیین مدت در نکاح منقطع شرط لازم است. (ماده ۱۰۷۵ ق.م.)
- ۲- تعیین مهر از شرایط اساسی نکاح منقطع است و عدم ذکر مهر موجب بطلان عقد است. (۱۰۹۵ ق.م.)
- ۳- در نکاح منقطع شوهر ملزم به دادن نفقه نیست، مگر اینکه حین عقد شرط شده و یا عقد مبنی بر آن جاری شود. (۱۱۱۳ ق.م.)
- ۴- در نکاح منقطع مقررات طلاق اجرا نمی شود و جدایی زن و شوهر با انقضاء یا بذل مدت یا فسخ نکاح تحقق می یابد. (۱۱۲۰ ق.م.)
- ۵- عده زن منقطعه پس از جدایی از شوهر (در غیر زن آبستن) دو طهر (۲ ماه) است، در حالی که عده فسخ نکاح در نکاح دائم سه طهر است. (۱۱۵۱ و ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴ ق.م.)
- هرگاه زوجه منقطعه با اقتضای سن عادت نبیند عده او ۴۵ روز است، حال آنکه عده اینگونه زنان در نکاح دائم، ۳ ماه است. البته عده وفات و عده زن آبستن در نکاح دائم و منقطع یکسان است.
- ۶- در نکاح منقطع زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند. (اصل عدم ارث) (۹۴۰ و ۱۰۷۷ ق.م.)
- شیخ طوسی و محقق و شهید اول و ثانی شرط توارث ضمن عقد نکاح منقطع را صحیح و نافذ دانسته اند.
- نکته:** در صورتی که در قرار داد شرط شده باشد که در نکاح منقطع به زن ارث برسد با توجه به آمرانه بودن قوانین مربوط به ارث این شرط صحیح نیست.
- **ماهیت نکاح دائم:** نکاح دائم اساساً یک قرارداد غیرمالی است، و آثار مالی نکاح جنبه تبعی و فرعی دارد.
- مهر جزء ماهیت نکاح نمی باشد و نکاح دائم بدون آن هم صحیح است و در این صورت پس از نزدیکی مهر المثل به زن تعلق می گیرد.
- آثار مالی نکاح:** مانند ارث و نفقه، آثاری است که قانون بر نکاح بار می کند و توافق طرفین برخلاف آن باطل است.
- **حدود آزادی اراده در ازدواج:** اصل حاکمیت اراده که در قراردادها نقش اساسی ایفا می کند در نکاح اهمیت چندانی ندارد و قانونگذار آزادی اراده افراد را در این زمینه محدود کرده است و تقریباً تمام قواعد مربوط به نکاح، امری و مربوط به نظم عمومی است و توافق برخلاف آنها دارای اعتبار نمی باشد. مانند: ارث، نفقه، ولایت بر اطفال

فصل دوم - شرایط ازدواج

نکاح دارای شرایطی است که نفوذ نکاح منوط به وجود آنهاست که عبارتند از:

۱- اختلاف جنس ۲- قصد و رضا ۳- اهلیت ۴- اجازه دولت در مورد نکاح با بیگانگان

۱ - اختلاف جنس

بر اساس ماده ۹۷۵ قانون مدنی، نکاح بین دو همجنس باطل است. ازدواج بین دو همجنس بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است. نکاح فقط بین زن و مرد امکان پذیر است. هرگاه نکاح بین دو هم جنس بسته شده باشد ابطال آن توسط دادگاه و ارجاع امر به نظر کارشناس (پزشک) صورت می گیرد و در صورتی که بعد از ازدواج تغییر جنسیت صورت گیرد و هر دو طرف همجنس شوند، نیز حکم ابطال آن توسط دادگاه و نظر کارشناس می باشد.

۲- اراده (قصد و رضا)

وجود اراده : چون نکاح عقد است ، اراده در آن ، مانند سایر قراردادهای ، مهم ترین رکن به شمار می آید و اراده باطنی برای تحقق نکاح کافی نیست.

اگر ازدواجی بدون اراده (قصد) واقع شده باشد ، باطل است . بنابراین نکاح در حال مستی یا نکاح با شوخی یا نکاح مجنون که به وسیله خود او بسته شده باشد ، به علت فقدان قصد و اراده بی ارزش است . ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی لزوم قصد را بدین صورت بیان داشته است:

« نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید » در صورتی که اراده در نگاه مفقود یا معلول باشد نکاح باطل یا غیر نافذ است.

اشتباه : اشتباه در نکاح ، تصور نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر یا در مهر دارد.

الف- اشتباه در هویت جسمی : اشتباه در هویت جسمی آن است که شخصی بجای دیگری طرف عقد قرار گرفته باشد.

ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی مقرر می دارد: « تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد ، شرط صحت نکاح است . »

شرط در هویت جسمی باعث باطل شدن نگاه است. مثلاً زنی را به مردی نشان می دهند و مورد پسند واقع می شود ، ولی ازدواج با نام خواهر یا یکی از خویشان او آن زن بسته می شود.

ب- اشتباه در اوصاف : اگر یکی از طرفین در وصف طرف دیگر اشتباه کند مثلاً مرد تصور کند که زن دارای هنر خاصی است یا زن تصور کند که مرد شغل یا مقام مدرک خاصی است و بعداً کشف شود که فاقد وصف مذکور است ، این اشتباه موجب بطلان نکاح نیست بلکه برای اشتباه کننده حق فسخ ایجاد می کند ، مشروط بر اینکه وجود وصف خاص در طرف صریحاً در عقد ذکر شده یا طرفین بر آن تبانی کرده باشند . (ماده ۱۱۲۸ ق.م)

اکراه : اکراه عبارت است از فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله کسی بر طرف قرارداد وارد گردد و او را وادار به عقد قرارداد کند.

اگر اکراه به درجه ای نباشد که اراده را سلب کند مثلاً شخصی را با تهدید به قتل یا اخراج از منزل برای عقد نکاح تحت فشار قرار دهند این نکاح غیر نافذ است و شخص مکره پس از رفع اکراه می تواند آن را تنفیذ (اجازه) یا رد کند ، ولی اگر اکراه به درجه ای باشد که اراده را سلب کند و قصد را از میان ببرد مثلاً شخصی را به زور گرفته و اثر انگشت او را زیر سند ازدواج بگذارند ، اینگونه اکراه موجب بطلان نگاه و تنفیذ بعدی مکره هم آن را تصحیح نمی کند.

تعلیق در ازدواج (برای مطالعه خودتون)

عقد معلق قراردادی است که تاثیر آن موقوف به امر دیگری است و تا آن امر تحقق نیابد عقد اثر کامل خود را به بار نمی آورد . (ماده ۱۸۹ ق.م)

تعلیق در عقد ازدواج موجب بطلان عقد است ، مثلاً اگر زنی با مردی ازدواج کند به شرط اینکه لیسانس حقوق بگیرد یا فلان ملک را به او بدهد این نکاح باطل است .

نکته : تعلیق نکاح به شرایط صحت نکاح صحیح است .

اظهار اراده : وجود اراده در نکاح و قراردادهای دیگر به تنهایی کافی برای تحقق قرارداد نیست بلکه اراده باید بیان و اظهار شود .

نحوه اظهار : اراده : طبق ماده ۱۰۶۲ ق.م، نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت در قصد ازدواج نماید. از آنجا که نکاح قراردادی مهم است و تعهدات سنگینی برای طرفین ایجاد می کند ، طرفین باید به صریح اراده خود را بر تشکیل خانواده قانونی با الفاظ اعلام کنند .

- ✓ طرف ایجاب را موجب و طرف قبول را قابل گویند.
- ✓ قانونگذار صرف عمل جنسی و معاشرت زن و مرد را کافی برای تحقق ازدواج نمی داند.
- ✓ طبق ماده ۱۰۶۶ ق.م، اگر یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می شود، مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.
- ✓ فقهای اسلامی معمولاً نوشته را برای تحقق نکاح کافی نمی دانند و استدلال می کنند که نوشته کنایه است و در بیان مقصود صراحت ندارد و قانون مدنی نیز عقیده فقها را پذیرفته و لفظ را در نکاح لازم دانسته است.

✓ در حقوق جدید لازم نیست ایجاب و قبول به زبان عربی باشد و به هر زبانی ممکن است واقع شود.

ثبت ازدواج : طبق ماده ۱۰۶۲ ق.م، نکاح با هر لفظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج ناید واقع می شود و نیاز به تشریفات دیگری ندارد ولی قانونگذار برای اثبات نکاح هنگام اختلاف ، ثبت نکاح در دفتر ازدواج را لازم شمرده است.

- ✓ ماده ۱ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ برای عدم ثبت ازدواج مجازات حبس از یک تا شش ماه را مقرر داشته بود ولی این مجازات طبق نظریه شورای نگهبان غیر شرعی اعلام گردید و بعد از آن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ برای عدم ثبت ازدواج دائم حبس تعزیری تا یکسال مقرر نمود، مقررات این ماده فقط در مورد مردها قابل اجراست و از این نظر قابل ایراد است.

➤ **گواهینامه تندرستی :** از جمله تشریفات لازم برای ثبت نکاح که شرط درستی ازدواج نمی باشد تهیه و تنظیم گواهینامه تندرستی است.

- ✓ طبق ماده ۲ قانون گواهینامه ازدواج مصوب ۱۳۱۷ « کلیه دفاتر ازدواج مکلفند قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک برداشتن امراض مسریه مهم که نوع آن از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می گردد، مطالبه نماید. مقصود از این امراض بیماریهای آمیزشی است.
- ✓ طبق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون لزوم گواهی پزشک قبل از ازدواج مصوب ۱۳۵۰، ترتیب صدور گواهینامه مطابق دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی مقرر می گردد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی امروزه جایگزین وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی شده است.
- ✓ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ علاوه بر گواهینامه تندرستی، مطالبه گواهی صحت مزاج را نیز پیش بینی کرده است نوع عوامل و بیماری های مذکور را وزارت بهداشتی و دادگستری تعیین خواهد کرد.
- ✓ تخلف سر دفتر ازدواج از مقررات مربوط به گواهی ازدواج تخلف انتظامی محسوب می شود.
- ✓ طبق تصویب نامه هیئت وزیران مصوب ۱۳۷۶ آزمایش تشخیص ناقلین تالاسمی اجباری است و دفاتر ازدواج باید گواهی مربوط را از نامزدها مطالبه کنند.

وکالت در ازدواج

➤ **اعلام اراده به وسیله وکیل :** در نکاح ممکن است اظهار اراده از طریق نمایندگی صورت گیرد.

- ✓ وکالت در نکاح در حقوق ایران به پیروی از فقه اسلامی پذیرفته شده است.
- ✓ طبق ماده ۱۰۷۱ ق.م، هر یک از زن و مرد می توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهند.

➤ **شرایط وکیل:** طبق ماده ۱۰۶۴ ق.م. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد. مقصود از عاقد کسی است که صیغه عقد نکاح را جاری می کند، اعم از اینکه برای خود باشد یا به وکالت از دیگری.

نکته: کاربرد صیغه نکاح بدون قصد، مثلاً به عنوان شوخی یا در حال مستی موجب تحقق ازدواج نخواهد بود.

نکته: در نکاح یک نفر می تواند به وکالت از زوجین یا وکالتاً از یک طرف و اصالتاً از جانب خود صیغه نکاح را جاری سازد زیرا در عقد تعدد اعتباری اراده کافی است.

سکوت دختر باکره: سکوت دختر باکره پس از پرسش وکالت خواهی از او در مورد ازدواج بنا بر قول مشهور فقهای امامیه اذن محسوب می شود و در توجیه آن گفته اند که بکر از سخن گفتن شرم دارد و لذا باید سکوتش را رضایت تلقی کرد، ولی در عصر ما دختران باکره رضا و اذن خود را در نکاح با بلی گفتن اعلام می کنند و شرم مانع از سخن گفتن آنان نیست. **نکته:** اگر سکوت همراه با دلایلی باشد که دلالت بر رضا کند باید آن را اذن دانست.

عزیزان پس از مطالعه خوب به سوالات پاسخ دهید

گزینه درست با شماره (۰۹۱۸۳۱۱۲۹۸۱) به واتساپ ارسال نمایید

سوالات

- ۱- نکاح در لغت به چه معنا است؟ (الف) ضم (پیوستن) (ب) ازدواج (ج) قرارداد (د) تمتع
- ۲- کدام مورد، از شرایط ازدواج نیست؟ (الف) قصد و رضا (ب) هم جنس بودن (ج) اهلیت (د) اجازه دولت در نکاح با بیگانه
- ۳- ازدواجی که بدون اراده واقع شده باشد، چه حکمی دارد؟ (الف) صحیح (ب) غیر نافذ است. (ج) باطل (د) ب و ج صحیح است.
- ۴- کدام مورد زیر درباره نکاح منقطع صحیح است؟ (الف) تعیین مدت در نکاح منقطع شرط لازم نیست. (ب) نکاح منقطع از ویژگی های مذهب تشیع است. (ج) در نکاح منقطع شوهر ملزم به دادن نفقه به زن است. (د) در نکاح منقطع مقررات طلاق اجرا می شود.
- ۵- ضابطه خانواده به معنای عام چیست؟ (الف) ارث بردن از یکدیگر (ب) ارث نبردن از یکدیگر (ج) ضابطه و معیار ندارد (د) خویشان سببی
- ۶- چرا قانونگذار ثبت نکاح را در دفتر رسمی ازدواج لازم شمرده است؟ (الف) زیرا عدم ثبت نکاح از نظر شرعی اشکال دارد. (ب) زیرا بدون ثبت باطل است. (ج) برای اثبات نکاح در صورت بروز اختلاف است. (د) زیرا وقوع نکاح منوط به تشریفات خاص است.

بارم: ۱/۵ نمره

با آرزوی موفقیت و تندرستی برای شما و خانواده محترمتون

جلسه: سوم آموزشی

شروط ضمن عقد ازدواج

در نکاح مانند دیگر قراردادها ممکن است اراده با پاره ای تعهدات فرعی که خارج از عناصر اصلی قرار داد است تعلق گیرد، این تعهدات فرعی را شروط ضمن عقد گویند. مثلاً در نکاح شرط شود که زن یا شوهر وصف خاصی داشته باشد. اینگونه عقد ها که شرطی ضمن آن شده است عقد مشروط یا مقرون به شرط نامیده می شود که عقد منجز است و نباید آن را با عقد معلق اشتباه کرد چون آثار خود را به محض انعقاد به بار می آورد. شروط ضمن عقد نکاح را به باطل و صحیح می توان تقسیم کرد: که ما فقط شروط صحیح را می خوانیم.

شروط صحیح

طبق ماده ۲۳۴ ق.م، شروط صحیح به شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل تقسیم می شود.

شرط صفت: تعریف و ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت: منظور از این شرط در نکاح این است که وجود صفت خاصی در یکی از زوجین یا در مهر شرط شده باشد. مثلاً شرط شده باشد که مرد دارای درجه لیسانس یا زن باکره باشد که در صورت تخلف شرط، کسی که شرط به نفع او شده است (مشروطه له) می تواند نکاح را فسخ کند.

شرط نتیجه: شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود، مثل اینکه در نکاح شرط شود که شوهر مالک مال معینی شود که متعلق به زن است.

نکته: کاربرد شرط نتیجه در نکاح در ایران بیشتر مربوط به شرط وکالت برای طلاق است.

ضمانت اجرای شرط نتیجه: هرگاه امری که تحقق آن به صورت شرط نتیجه مورد نظر بوده حاصل نشود مثلاً انتقال مال مورد شرط بنا به دلایلی به شوهر امکان پذیر نباشد، نمی توان برای مشروط له خیار فسخ قائل شد و فقط می تواند که از متعهد مطالبه خسارت نماید.

شرط فعل: شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از طرفین یا بر شخص خارجی شرط شود. چنانچه در نکاح شرط کنند که اگر شوهر زن دیگری اختیار کند یا زن خود را طلاق دهد مبلغی به او بپردازد.

ضمانت اجرای شرط فعل: در عقد نکاح در صورت تخلف از شرط فعل در صورتی که زبانی از جهت تخلف از شرط به مشروط له وارد شده باشد می تواند جبران خسارت را از مشروط علیه بخواهد ولی حق فسخ ندارد.

شرط ضمن عقد مندرج در قباله های ازدواج

این شروط در دفاتر ثبت و همچنین در قباله های ازدواج چاپ شده است که طرفین با امضای ذیل هریک از آنها، بعضی یا کل آنها را می پذیرند. این شروط شامل شرط انتقال تا نصف دارایی و شرط وکالت بلاعزل برای طلاق در پاره ای موارد است.

شرط انتقال تا نصف دارایی

تحقق این شرط زمانی است که طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق او نبوده، در این صورت زوج مکلف است تا نصف دارایی را که در ایام زناشویی با او بدست آورده یا معادل آن را به زوجه بدهد.

وکالت بلاعزل در پاره ای موارد

مواردی که زن می تواند حسب مورد از دادگاه تقاضای صدور اجازه طلاق نماید به شرح زیر است:

۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت ۶ ماه به هر عنوان و وفا نکردن به سایر حقوق واجبه زن به مدت ۶ ماه

۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی برای زوجه غیر قابل تحمل باشد.

۳- ابتلاء زوج به امراض صعب العلاج، به نحوی که از ادامه زناشویی برای زوجه مخاطره آمیز باشد.

۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعا ممکن نباشد.

۵- عدم رعایت دستور دادگاه مبنی بر منع اشتغال زوج به شغلی که منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.

۶- محکومیت زوج به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر.

۷- ابتلاء زوج به هرگونه اعتیاد مضر که به زندگی خانوادگی خلل وارد آمد.

۸- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد.

۹- در صورتی که پس از گذشت ۵ سال به سبب عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر زوج، زوجه صاحب فرزند نشود.

۱۰- در صورتی که زوج مفقودالایر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

۱۱- در صورتی که زوج مفقودالایر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

۱۲- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

اهلیت برای ازدواج

یکی از شرایط نکاح اهلیت است یعنی طرفین باید توانایی قانونی برای عقد نکاح داشته باشند.

سن بلوغ: بلوغ در لغت رسیدن به چیزی است و در اصطلاح فقهی رسیدن به سنی است که

غریزه جنسی در آن به حد کافی رشد کرده و شخص آماده تولید مثل می گردد.

در فقه امامیه سن بلوغ برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است که

علاوه بر این شرایط دختر و پسر باید رشید باشند یعنی بتوانند مصلحت خود را تشخیص دهند.

سن ازدواج در قوانین موضوعه

سن ازدواج در قانون مدنی نخستین: طبق ماده ۱۰۴۱ ق.م. سال ۱۳۱۳، سن ازدواج دختران ۱۵ سال

و سن پسران ۱۸ سال تعیین شده بود. ولی در مواردی که مصالح اقتضا کند با پیشنهاد مدعی

العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود که این معافیت شامل

دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال نمی شود.

سن ازدواج و معافیت از شرط سن در قانون حمایت خانواده: طبق ماده ۲۳ قانون حمایت

خانواده ۱۳۵۳، ازدواج زن قبل از رسیدن به ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام

ممنوع اعلام شد.

ولایت در ازدواج

ولایت پدر و جد پدری: مقصود از ولی همان ولی قهری یعنی پدر و جد پدری است. در مورد وصی

منصوب از سوی پدر یا جد پدری و قیم، قول مشهور فقها بر عدم ولایت است که قانون مدنی نیز

آن را پذیرفته است.

اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج باکره

ولایت پدر و جد پدری

طبق ماده ۱۰۴۳ اصلاحی قانون مدنی سال ۱۳۷۰: نگاه دختر باکره، اگرچه به سن بلوغ رسیده

باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و در صورت مضایقه پدر یا جد پدری بدون علت،

اجازه او ساقط و انجام نکاح طی مراحل توسط دادگاه مدنی خاص صورت می گیرد. طبق این ماده

اگر دختر باکره یک بار شوهر کرده و قبل از نزدیکی از او جدا شده باشد، برای ازدواج دوم نیاز به

اذن ولی دارد.

حدود ولایت در ازدواج دختر باکره

خلاف اصل بودن ولایت: از آنجا که دخالت و ولایت در ازدواج دختری که به سن بلوغ رسیده خلاف اصل است

حدودی برای آن در نظر گرفته شده است:

اولاً، فقط پدر و جد پدری دارای چنین اختیاری است و موافقت یکی از آنها کافی است و در صورت حجر آنها اجازه از شخص دیگری مانند قیم لازم نیست و در صورت فوت پدر یا جد پدری کسب اجازه از دیگری لازم نیست. در صورتی که پدر و جد پدری غایب باشند دختر حق دارد آزادانه ازدواج کند.

ثانیاً، اجازه پدر و جد پدری فقط در مورد ازدواج دختری لازم است که باکره باشد، در صورتی که دختر بدون ازدواج یا در اثر ازدواج باطل با عمل جنسی بکارت خود را از دست دهد کسب اجازه لازم نیست.

ثالثاً، در صورتی که پدر یا جد پدری از اختیار خود سوء استفاده کند و بدون علت موجه از دادن اجازه خودداری کند، دختر می تواند بدون کسب اجازه و با موافقت دادگاه ازدواج نماید.

نکته: فقهای امامیه بر اجماع گفته اند: اگر ولی، دختر را از ازدواج با کفو (هم شأن و همتا) با تمایل دختر به ازدواج، منع کند ولایت او ساقط خواهد شد و دختر در نکاح استقلال خواهد داشت.

ماده ۱۰۴۴ ق.م و تبصره آن: طبق این قانون در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز نیز غیر ممکن باشد و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد وی می تواند اقدام به ازدواج نماید. طبق تبصره این ماده ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می باشد. به نظر می رسد این ماده مبتنی بر قاعده لاضرر و قاعده عسر و حرج است.

نکته: دختر یا پسری که بعد از بلوغ و قبل از سیدن به سن رشد ازدواج کنند می توانند در امور غیر مالی مربوط به نکاح و طلاق شخصاً اقامه دعوی کنند.

مسأله: چنانچه دختر بالغه باکره بدون موافقت پدر یا جد پدری ازدواج کند چنانچه پدر برای ابطال ازدواج دادخواستی تقدیم کند نیازی به آوردن دلیل بر موجه بودن مخالفت خود ندارد و طبق اصل ولایتی که پدر یا جد پدری بر دختر دارد کافی است وقوع ازدواج بدون موافقت خود را در تایید خواسته اش ثابت کند. چنانچه دختر ثابت نماید که علت مخالفت پدر ناموجه بوده است دادگاه حکم به نفوذ ازدواج می دهد که حکم دادگاه در این مورد حکم اعلامی خواهد بود.

ازدواج غیر رشید و مجنون

ازدواج غیر رشید: عدم نفوذ ازدواج بدون اذن ولی: غیر رشید یا سفیه کسی است که تصرف او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد و نیاز به اذن ولی یا قیم دارد. زیرا سفیه در امور مالی محجور است.

در مورد صحت ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم قانون مدنی ساکت است ولی طبق نظر استادان حقوق و نیز فقه امامیه چون ازدواج دارای پاره ای آثار مالی مانند مهر و نفقه است ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم غیر نافذ خواهد بود و قانون مدنی نیز این نظر را پذیرفته است.

بعضی از فقهای اسلامی بویژه حنفیان گفته اند سفیه می تواند مستقلاً عقد نکاح ببندد و ولی یا قیم تنها حق دخالت در تعیین مهر را دارند و اگر تعیین مهر بدون اذن آنها انجام گیرد غیر نافذ است و در صورتی که ولی یا قیم آن را رد کند در صورت وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

ازدواج مجنون : بطلان ازدواج خود مجنون و اعتبار عمل ولی : ازدواجی که به وسیله خود مجنون در حال جنون واقع شده باشد باطل است، ولی ممکن است ازدواج در بهبود مجنون تاثیر داشته و برای او لازم است و لذا نماینده قانونی مجنون (قیم) می تواند برای او عقد نکاح ببندد که برای تحقق این امر دو شرط لازم است :

۱- پزشک ازدواج را لازم بداند ۲- دادستان با این امر موافقت کند.

در صورتی که ولی قهری یا وصی بخواهد در این زمینه اقدام کند اجازه دادستان لازم نیست . ولایت ولایت قهری فقط در جنون متصل به صغر باقی خواهد بماند.

ازدواج مجنون ادواری : ولی یا قیم نمی تواند در مورد ازدواج مجنون ادواری اقدام کند . و خود مجنون در حال افاقه می تواند مستقلاً ازدواج نماید. البته در صورتی حکم به صحت این ازدواج می شود که افاقه او در زمان عقد نکاح مسلم باشد.

اجازه دولت برای ازدواج بیگانگان

ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه : طبق ماده ۱۰۶۰ ق.م، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است، این اجازه پروانه زناشویی نامیده می شود که مقام صالح برای صدور این پروانه وزارت کشور است. قاعده مندرج در این ماده از یک سو دارای جنبه سیاسی است و مصلحت دولت در آن است ، واز سوی دیگر برای حمایت از زن است.

ضمانت اجراء : طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶، هر خارجی که بدون اجازه دولت با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری از یک تا سه سال محکوم می شود ، البته زن نیز در صورتی که طبق مقررات معاون جرم محسوب شود ، مجزات خواهد شد ؛ اما از لحاظ قانون مدنی می توان گفت ازدواج بدون پروانه نافذ است و دولت نمی تواند آن را ابطال کند.

ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با بیگانگان

منع ازدواج و ضمانت اجرای آن : طبق ماده واحده ۱۳۴۵ ، ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده اند ممنوع شده است. این قاعده دارای جنبه سیاسی و از نظر مصلحت دولت وضع شده است.

ضمانت اجرای اینگونه ازدواج این است که کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت ولی ازدواج آنها درست و نافذ است.

سؤالات

۱- کدام گزینه صحیح است ؟ ۲۵/۰ نمره

- الف) وجود اراده در نکاح و قراردادهای دیگر به تنهایی برای تحقق قرارداد کافی است .
ب) دختر باکره در هر شرایطی می تواند برای اخذ اجازه نکاح به دادگاه مراجعه نماید .
ج) بلوغ در حقوق اسلام یک پدیده طبیعی و فیزیولوژیکی است که زمان آن در همه جا و همه کس یکسان نیست
د) نکاح بین دو همجنس می تواند تحقق یابد این امر جزو بدیهیات حقوقی است .

۲- ازدواج مجنون در حال جنون چه حکمی دارد ؟ ۰/۲۵ نمره

- الف) صحیح ب) باطل ج) بدون اشکال د) با اجازه قیم صحیح است.

۳ - منظور از پروانه زناشویی چیست و از سوی چه مقامی صادر می شود ؟ ۰/۲۵ نمره

الف) اجازه مخصوص دولت در ازدواج مرد ایرانی با تبعه خارجه . / وزارت کشور

ب) اجازه مخصوص دولت در ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه . / وزارت کشور

ج) اجازه دولت به ازدواج زن و مرد تبعه خارجی . / استاندارها

۴ - هیچ کدام اشتباه در هویت جسمی چه تأثیری در عقد نکاح دارد ؟ ۰/۲۵ نمره

- الف) صحیح ب) باطل ج) نافذ د) همه موارد

جلسه: چهارم آموزشی

با سلام و احترام

حلول سال نو و بهار پر طراوت طبیعت را خدمت شما عزیزان و خانواده محترمتون تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از سلامتی و سعادت و سر بلندی را از درگاه خداوند سبحان برای شما آرزومندم.

فصل سوم : موانع ازدواج

موانع نکاح اموری است که عدم آنها در نکاح شرط است و وجود آنها مانع صحت ازدواج می باشد. این موانع عبارتند از : شوهر داشتن ، داشتن چهار زن دائمی، عد زن، قربانیت در حدود معین، مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق، لعان و احرام

۱- **شوهر داشتن** : شوهر داشتن زن یکی از موانع نکاح است و ازدواج با زن شوهر دار ضمانت اجرای کیفری و مدنی دارد.

ازدواج با زن شوهر دار: طبق ماده ۱۰۵۰ ق.م، هرکس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام ابدی می شود. طبق ماده ۱۰۵۱ ق.م، حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

نکته : در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود یعنی پس از انحلال نکاح اول، زن می تواند با آن مرد ازدواج کند.

ازدواج با زن شوهر دار جرم است و گر منجر به واقعه نگردد، طرفین این عقد باطل به شش ماه تا دو سال حبس یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهند شد و عاقد در این زمینه به شش ماه تا سه سال حبس یا از سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد و اگر سردفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. (مواد ۶۴۳ و ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی)

۲- **داشتن چهار زن دائمی** : در حقوق اسلامی تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده و استیفاء عدد از موانع نکاح می باشد. استیفاء عدد در لغت به معنی کامل گرفتن است و در اصطلاح فقهی آن است که مرد چهار زن دائمی داشته باشد، دیگر نمی تواند زن پنجمی به عقد دائم بگیرد. این منع در قانون مدنی صریحاً ذکر نشده است. تعدد زوجات در کشورهای

غربی ممنوع و برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است؛ اما در کشورهای اسلامی، به پیروی از فقه اسلامی، در صورتی که از حد مقرر تجاوز نکند پذیرفته شده است.

سابقه تاریخی

تعدد زوجات قبل از اسلام: اسلام مبتکر تعدد زوجات نبوده است و تاریخ نشان می دهد که چند زنی قبل از اسلام در میان بسیاری از ملل وجود داشته است.

کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان می گوید: اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می رفت و در عمل تعداد زنانی که مرد می توانست داشته باشد به نسبت توانایی مالی او بوده است.

تعدد زوجات در اسلام: اسلام تعدد زوجات را به چهار زن دائم محدود کرد، وانگهی شرط مهمی برای چند زنی گذاشت که عبارت از شرط عدالت بود.

قرآن کریم در این باره می فرماید: **وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَاتَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً**، یعنی اگر بیم دارید که عدالت نکنید فقط یک زن بگیرید.

نکته: عدالتی که شرط چند زنی است تساوی در حقوق زنان مانند نفقه و قسم است (فلاتمیلوک

المیل فتذروها کالمعلقة) پس از یکی کاملاً رویگردان می شوید که او را بی تکلیف رها کنید. «۲۹/ نساء»

نکته: اسلام تعدد زوجات را برای موارد استثنایی تجویز کرده و اصل در اسلام نظام تک همسری است.

تعداد زوجات در حقوق کنونی

تعدد زوجات در قانون مدنی: در قانون مدنی ایران تعدد زوجات منع نشده است. دلایلی مانند نازایی زن، عدم قدرت او به ایفای وظایف زناشویی، ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج، عدم تمکین زن از شوهر و مخصوصاً فزونی عده زنان بر مردان در زندگی امروز هم می تواند چند زنی را در موارد استثنایی توجیه کند.

قانون حمایت خانواده (۱۳۴۶): طبق ماده ۱۴ این قانون، هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری اختیار کند باید از دادگاه تحصیل اجازه کند و دادگاه پس از انجام اقدامات ضروری این اجازه را خواهد داد. طبق بند آخر ماده ۱۴ اگر مرد زن دار بدون کسب اجازه از دادگاه اقدام به ازدواج مجدد می نمود به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می شد. ولی طبق نظر حقوق دانان و رویه دادگاه ها این ازدواج درست و نافذ است.

طبق ماده ۱۶ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱- رضایت همسر اول ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف

زناشویی ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج ۵- محکومیت زن ۶- ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸- عقیم بودن زن ۹- غایب مفقود الاثر شدن زن

طبق ماده ۱۷ این قانون، هرگاه مردی با داشتن همسر بدون اجازه دادگاه اقدام به ازدواج کند به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۱ سال محکوم می شود. همین مجازات مقرر است برای سردفتر و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشد. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری و اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زن اول : بنابر این قاعده در صورت ازدواج مجدد شوهر، زن اول حتی اگر به ازدواج رضایت داده باشد می تواند تقاضای گواهی عدم امکان سازش برای طلاق کند، در حالی که در قانون پیشین ، فقط در صورتی که شوهر بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار می کرد، همسر اول دارای حق طلاق بود ولی امروزه قاعده مذکور منسوخ تلقی می گردد.

ضمانت اجراء : طبق نظر شورای نگهبان مجازات مقرر در ماده ۱۷ غیر شرعی تشخیص داده شده است، لذا امروزه در عمل ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه فاقد ضمانت اجرای کیفری است مگر اینکه متخلف از لحاظ عدم ثبت ازدواج مجرم شناخته شود، از لحاظ مدنی هم ازدواج معتبر و نافذ شناخته می شود.

۳- **عده زن** : در عده بودن زن یکی از موانع نکاح به شمار می آید.

طبق ماده ۱۱۵۰ ق.م، عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند.

مقررات عده در حقوق ایران از فقه امامیه گرفته شده است.

در توجیه عده دلایلی وجود دارد مانند : جلوگیری از اختلاط نسل، احترام به رابطه نکاح منحل شده، وجود مهلت برای تفکر و بازگشت به زندگی زناشویی در عده طلاق

اقسام عده: عده دارای اقسام مختلفی است : عده وفات - عده طلاق - عده فسخ نکاح - عده نزدیکی به شبهه - و عده بذل یا انقضاء مدت در نکاح منقطع.
عده نزدیکی به شبهه همانند عده طلاق است.

عده وفات : عده وفات یعنی مدتی که زن بعد از مرگ شوهر باید برای اختیار شوهر دیگر صبر کند که اصولاً چهار ماه و ده روز است.

طبق ماده ۱۱۵۴ ق.م، عده وفات چه در دائم و چه در منقطع چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر و آلا مدت عده همان چهار ماه و ده روز است.

فقها می گویند عده وفات «بعد الاجلین» یعنی درازترین دو مدت است (فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل).

مسأله: هرگاه شوهر از محل سکونت زن غایب بوده و زن بعد از مدتی از فوت او آگاه شود بنا بر قول مشهور فقهای امامیه عده وفات از تاریخ آگاهی زن از فوت آغاز می شود.

مسأله: اگر در ایام عده طلاق، شوهر بمیرد، در عده طلاق رجعیه چون زن در حکم ازدواج است، زن باید از زمان فوت عده وفات نگهدارد اما در عده طلاق بائن یا فسخ نکاح تاثیری در وضع زن ندارد و لازم نیست عده وفات نگه دارد.

عده طلاق : اقسام عده طلاق

۱- عده زن آبستن: طبق ماده ۱۱۵۳ ق.م، عده زن آبستن تا وضع حمل است، لذا هرگاه با فاصله کمی بعد از طلاق زایمان روی دهد، عده منقضی می شود و زن می تواند بار دیگر ازدواج کند.

۲- عده زن غیر آبستن: طبق ماده ۱۱۵۱ ق.م، عده طلاق زن غیر آبستن سه طهر است.

طهر در اصطلاح حقوقی عبارتست از پاکی زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار می گیرد.

نکته: اگر زن با اقتضای سن، یعنی با اینکه به سن یائسگی نرسیده و در سن زنانگی است که عادت می شوند، عادت زنانگی نبیند، مدت عده دقیقاً ۳ ماه خواهد بود.

۳- زنانی که عده طلاق ندارند: زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.

مقصود از زن یائسه زنی است که به سن یأس رسیده، یعنی سنی که دیگر امید باردار شدن ندارد. این سن به اعتقاد بعضی فقها ۶۰ سال و به قول گروهی دیگر ۵۰ سال و در زن قریشیه ۶۰ سال است ولی در حقوق ایران سن یائسگی عملاً مشخص نیست و به نظر کارشناس واگذار می شود.

عده بذل یا انقضاء مدت در ازدواج موقت

در عده بذل یا انقضاء مدت که مربوط به نکاح موقت است اگر زن حامل باشد مانند مورد طلاق عده او با وضع حمل منقضی می شود.

طبق ماده ۱۱۵۲ ق.م، عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.

ازدواج یا زنا با زنی که در عده است

بطلان و حرمت ابدی: نکاح با زنی که در عده دیگری است در حکم نکاح با زن شوهردار است، لذا نکاح مزبور باطل و احياناً موجب حرمت ابدی است.

نکته: در صورت جهل به وعده و حرمت نکاح یا یکی از این دو و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل است ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود ولی اگر یکی از زن و مرد عالم و دیگری جاهل باشد باز هم حرمت ابدی حاصل خواهد شد.

مسأله: اگر مردی با زنی که در عده است با جهل به بودن زن در عده و حرمت نکاح، ازدواج کند، بعد از انقضاء عده با او نزدیکی نماید بنا بر قول بعضی از فقها حرمت ابدی حاصل نخواهد شد.

جلسه: پنجم آموزشی

۱- **قربان در حدود معین:** قربان اعم از نسبی، سببی و رضاعی در پاره ای از درجات مانع نکاح است.

خویشانی که نکاح با آنها به علت قربان ممنوع است محارم نامیده می شوند.

دلایل منع ازدواج با خویشان نزدیک: اولاً - ازدواج با خویشان نزدیک از نظر فیزیولوژیکی زیانبخش است. این دلیل تنها در مورد خویشان نسبی و رضاعی می تواند صادق باشد. ثانیاً - از نظر اخلاقی ازدواج با خویشان نزدیک منفور و محکوم است. ثالثاً - به اعتقاد خیرخواهان بشر صلاح مردم در این است که با خانواده های مختلف پیوند برقرار کنند تا بین آنها محبت و دوستی برقرار شود. و نیز ازدواج با خویشان نزدیک نظم و آرامش خانواده را بر هم می زند و موجب برقراری روابط نامشروع بین آنها می شود.

محارم نسبی: طبق ماده ۱۰۴۵ ق.م. نکاح با اقارب نسبی زیر ممنوع است، اگر چه قربان حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا رود.

۲- نکاح با اولاد هر قدر که پایین رود.

۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها هر قدر پایین برود.

۴- نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات

محارم سببی: برابر با مواد ۱۰۴۷ تا ۱۰۴۹ قانون مدنی نکاح بین خویشان سببی ذیل ممنوع است:

۱- بین مرد و مادر و جدات زن حتی بعد از انحلال ازدواج

۲- بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد (فرزندزادگان) او بوده است.

۳- بین مرد و اناث از اولاد زن، از هر درجه که باشند، مشروط بر اینکه بین مرد و زن نزدیکی واقع شده باشد.

۴- بین مرد و خواهر زن مگر بعد از انحلال ازدواج با آن زن.

۵- بین مرد و دختر برادر زن یا دختر خواهر زن، مگر با اجازه زن.

اگر مردی با خواهر زاده یا برادر زاده زن خود بدون اجازه ازدواج کند، این ازدواج غیر نافذ است. ازدواج با نوه خواهر یا برادر زن نیز چنانچه فقهای امامیه گفته اند مانند ازدواج با دختر خواهر یا دختر برادر زن است.

۵ - مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق

سه طلاق متوالی: مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق از موانع نکاح به شمار می آید. طبق ماده ۱۰۵۷ ق.م، زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد. تجدید ازدواج مرد با چنین زنی در صورتی مجاز است که: **اولاً-** زن با مرد دیگری ازدواج کند (محلل).

ثانیاً- نکاح دائم باشد نه موقت

ثالثاً- بین زن و این مرد نزدیکی واقع شده باشد.

رابعاً- نکاح به علتی مانند فوت شوهر یا طلاق منحل شده باشد.

نُه طلاق: طبق ماده ۱۰۵۸ قانون مدنی، زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد، بر آن شخص حرام موبد می شود.

طلاق عدی نوعی از طلاق رجعی است و عبارتست از طلاقی که پس از آن مرد در ایام عده رجوع کند و با زن نزدیکی نماید.

۶ - کفر

ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان: طبق ماده ۱۰۵۹ ق.م، نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان جایز نیست.

هرگاه زن و شوهر هر دو کافر باشند و زن اسلام اختیار کند نکاح منحل خواهد شد. در این مورد فقهای اسلام گفته اند: اگر اسلام زن قبل از نزدیکی باشد در همان حال نکاح منفسخ می شود و زن را مهتری نیست ولی اگر اسلام زن بعد از نزدیکی باشد، انفساخ عقد منوط به انقضاء عده است و زن مستحق مهر است.

ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان: در فقه اسلامی ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه (مسیحی، یهودی، زردشتی) مجاز است اما ازدواج با زن غیر کتابیه را منع کرده است.

در فقه امامیه قول اشهر این است که فقط نکاح منقطع با زن کتابیه جایز و نکاح دائم باطل است و این قاعده در حقوق فعلی ایران مورد قبول می باشد.

هرگاه زن و شوهر کافر باشند و مرد اسلام آورد و زن کتابیه باقی بماند نکاح به اعتبار خود باقی خواهد ماند گرچه نکاح دائم باشد. اما اگر زن و شوهر مسلمان باشند و زن مرتد شود نکاح منحل خواهد شد و چنانچه ارتداد قبل از نزدیکی با زن حاصل شود نکاح منحل خواهد شد و لی اگر ارتداد بعد از نزدیکی روی دهد، انفساخ نکاح متوقف بر انقضای عده است و اگر زن در مدت عده به اسلام بازگشت نکاح ادامه می یابد.

۷ - لعان (حذف)

لعان یکی از موانع نکاح است. لعان (به کسر لام) در لغت به معنی یکدیگر را نفرین کردن و در اصطلاح حقوقی آن است که زن و شوهر با سوگندهای ویژه ای یکدیگر را تخطئه کنند. تحقق لعان زمانی است که شوهر به زن نسبت زنا دهد یا فرزندی را که زن به دنیا آورده از خود نفی کند. طبق ماده ۱۰۵۲ ق.م، تفریقی که با لعان حاصل می شود موجب حرمت ابدی است.

۸ - احرام : احرام حالتی است که زائر خانه خدا با انجام تشریفات مذهبی و پوشیدن جامه

خاصی که نشانه آغاز اعمال حج است پیدا می کند . او را در این حال محرم می گویند. اگر کسی در حال احرام ازدواج کند عقد باطل است و اگر علم به حرمت نکاح داشته باشد بعدها هم نمی تواند با طرف دیگر ازدواج کند (حرام مؤبد).

سوالات جلسه ۴ و ۵

۱- اگر مردی بدون اجازه زن خود با خواهر زاده او ازدواج کند ، ازدواج مجدد مرد در چه صورتی صحیح است ؟ ۰/۲۵ نمره

الف) اگر زن اول (خاله) ازدواج دوم را که بدون اجازه او واقع شده تنفیذ کند درست است .

ب) بطور کل ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده زن باطل است .

ج) زن اول چه اجازه بدهد چه اجازه ندهد ازدواج دوم درست است .

د) موارد الف و ج درست

۲- مدت عده طلاق در زن یائسه چقدر است؟ ۰/۲۵

الف) چهار ماه و بیست روز ب) چهل و پنج روز ج) سه طهر د) عده ندارد

۳- استیفاء عدد به چه معنا است ؟ و در کدام یک از موانع ازدواج مطرح می شود ؟ ۰/۲۵

الف) پرداخت کامل / مطلقه به سه طلاق ب) کامل گرفتن / داشتن چهار زن دائمی

ج) پرداخت کامل / کفر د) کامل گرفتن / شوهر دار بودن

۴- طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی، زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده ، بر آن

مرد می شود ، مگر به عقد به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از رابطه زناشویی از او جدا

گردیده باشد .

- الف) حلال / موقت ب) حرام / موقت ج) حلال / دائم د) حرام / دائم
- ۵- اگر زن و شوهر هر دو مسلمان باشند و زن مرتد شود، نکاح چه وضعیتی خواهد داشت؟ ۰/۲۵
- الف) نکاح به اعتبار خود باقی است. ب) نکاح منحل خواهد شد.
- ج) نکاح جایز است. د) ارتداد زن تاثیری در نکاح ندارد.
- ۶- سه مورد از موانع ازدواج را نام ببرید. ۰/۷۵
- ۷- بر اساس قانون حمایت از خانواده مرد چه موقع می تواند با وجود داشتن زن، همسر دوم اختیار کند؟ (سه مورد کافی است) ۰/۷۵

جلسه: نشم آموزشی

فصل چهارم - آثار ازدواج

همین که نکاح به درستی واقع شد ، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می کند که از آن به «آثار نکاح» تعبیر می شود . ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی در این باره بیا می کند : همین که نکاح به گور صحت واقع شد ، روابط زوجیت بین زن و شوهر بوجود می آید و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود. مقصود از روابط زوجیت همه روابط شخصی (غیر مالی) و مالی زن و شوهر است.

آنچه در خوشبختی خانواده بیشتر از قانون موثر می باشد اخلاق است. زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و وفاداری با هم زندگی کنند و از کمک به یکدیگر و اشتراک مساعی دریغ نکنند و گذشت داشته باشند تا کانون خانواده را گرم نگاهدارند.

روابط شخصی زن و شوهر

تکالیف مشترک زوجین

الف) حسن معاشرت : طبق ماده ۱۱۰۳ ق.م، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. زندگی مشترک را می توان از لوازم حسن معاشرت دانست. حسن معاشرت یا خوش رفتاری زن و شوهر مربوط به عرف و عادت و رسوم اجتماعی است و مقتضای آن بر حسب زمان و مکان تغییر می کند . حسن معاشرت ایجاب می کند که زن و شوهر با خوشرویی و مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر پیر هیزند.

بنابراین مرد مکلف است زنش را در خانه بپذیرد و زن مکلف در خانه مرد زندگی کند . روابط جنسی به طور متعارف از لوازم حسن معاشرت است. هرگاه زن یا شوهر از آن امتناع کند بر خلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده است اگر زن این تکلیف را انجام ندهد ناشزه محسوب و حق نفقه او ساقط خواهد شد. شوهر می تواند از طریق قضایی زن را ملزم به انجام وظیفه نماید. و اگر مرد سوء معاشرت داشته باشد، زن می تواند به دادگاه شکایت کند و شوهر را مجبور به حسن معاشرت کند. و اگر ادامه زناشویی غیر قابل تحمل باشد ، زن حق طلاق خواهد داشت.

ب) معاضدت : منظور از معاضدت همکاری در زندگی و اشتراک مساعی زن و شوهر در تأمین سعادت و رفاه خانواده است. ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مقرر می دارد : « زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و

تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» معاضدت مفهومی عرفی است و حدود آن با توجه به عرف و عادت و مقتضیات زمان و مکان تعیین می شود. مانند خرید لوازم و نیازمندی های منزل و اداره امور داخلی منزل. این تکلیف اقتضا می کند که هیچ یک از زن و شوهر برای انجام وظیفه اخلاقی و حقوقی و تربیت فرزندان نتوانند مطالبه مزد کنند. هرگاه هر یک از زن یا مرد از انجام تکلیف معاضدت خود داری کند، طرف دیگر می تواند به دادگاه مراجعه کند و الزام متخلف را به ایفای وظیفه بخواهد. اگر زن عدم معاضدت نماید مستحق نفقه نخواهد بود.

ج) وفاداری: زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند و از برقراری رابطه نامشروع با دیگران پرهیزند.

ریاست شوهر بر خانواده: ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی بیان می کند: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است» ریاست خانواده **مقامی است که برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و یک امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی شود. یک وظیفه اجتماعی است که برای تأمین سعادت خانواده به مرد محول شده است و او نمی تواند از آن سوء استفاده کند و برخلاف عرف و خانواده آن را بکار برد، و به عنوان رئیس خانواده زن را از رفت و آمد متعارف با خویشان و دوستانش باز دارد.**

آثار ریاست شوهر بر خانواده: ریاست شوهر بر خانواده در حقوق دارای آثار و نتایج است:

- زن می تواند نام خانوادگی شوهر را با موافقت او بکار برد. (ماده ۴۲ قانون ثبت احوال)
- اقامتگاه زن اصولاً همان اقامتگاه شوهر است. (ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی)
- ولایت قهری نسبت به اطفال و تأمین هزینه و اداره خانواده. (مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۹۹ ق.م)
- اختیار تعیین مسکن. (۱۱۱۴ ق.م)
- ممانعت از اشتغال زن به شغلی که منافی مصالح خانوادگی است. (۱۱۱۷ ق.م)

نکته: تحمیل تابعیت شوهر بر زن از آثار ریاست شوهر بر خانواده نیست.

تعیین مسکن: طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی **اختیار مسکن در حقوق ایران، بامرد است، زن باید در منزلی که مرد تعیین می کند زندگی نماید مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد که این اختیار ممکن است بعد از عقد و به موجب قرارداد مستقلی به زن داده شود، که در این صورت مرد مکلف است در منزلی که زن تعیین می کند سکونت نماید.**

ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی ، به زن حق داده است که در صورت وجود خوف ضرر بدنی یا شرافتی یا مالی منزل دیگری غیر از منزل شوهر برای خود اختیار کند و سکونت زن در منزلی که خود او تعیین نماید ، ملازمه با عدم تمکین او نخواهد بود.

شغل زن : زن با ازدواج ، تا حدی آزادی خود را از دست می دهد . انجام تکالیف زناشویی مانع از آن است که زن بتواند آزادانه مانند زن بی شوهر به هر شغلی مشروعی اشتغال بورزد.

طبق ماده ۱۱۱۷ ق.م. شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند (ضابطه تشخیص در این موارد عرف است) . قانون جدید حمایت خانواده این حق را برای زن نیز قائل شده است.

مقصود از شغلی که می توان برابر قانون زن یا شوهر را از آن منع کرد شغلی است که ذاتاً مشروع باشد، ولی با مصالح و حیثیت خانواده منافات داشته باشد.

تمکین زن : تمکین دارای معنی خاص و عام است.

تمکین خاص : آن است که زن نزدیک جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد از این رابطه سرباز نزند. البته این وظیفه ویژه زن نیست و شوهر نیز مکلف است در حد متعارف رابطه جنسی با زن داشته باشد. وظیفه برقراری رابطه جنسی از تکالیف مشترک می باشد.

تمکین به معنای عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد . اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی زن داشته باشد ، زن مکلف به اطاعت از او نیست. مثلاً شوهر زن را از ادای فرائض مذهبی بازدارد ، یا از او بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد. زن می تواند از او اطاعت نکند. عدم تمکین در اصطلاح حقوقی نشوز و زنی که از شوهر اطاعت نمی کند ناشزه نامیده می شود. نشوز در لغت به معنای ارتفاع و بلند شدن و در اصطلاح حقوقی نافرمانی یکی از زوجین است. نافرمانی زوج و عدم ایفاء وظایف زناشویی از ناحیه او نیز در فقه اسلامی نشوز نامیده می شود. هرگاه نافرمانی و وظیفه نشناسی از هر دو طرف باشد آن را شقاق نامند.

ضمانت اجرای تمکین : هرگاه زن تمکین ننماید ، شوهر می تواند به دادگاه مراجعه کرده و الزام زن را به تمکین بخواهد . در صورت عدم تمکین زن نمی تواند از شوهر مطالبه نفقه کند. نشوز شوهر نیز سوء معاشرت به حساب می آید و اگر از مصادیق عسر و حرج باشد زن می تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند.

جلسه: هفتم آموزشی

روابط مالی زن و شوهر

استقلال مالی زن شوهر دار: در حقوق ایران اموال هر یک از زوجین مستقل و جدا از اموال دیگری است و دارایی مشترک را تشکیل نمی دهد.

طبق ماده ۱۱۱۸ق.م، زن مستقلاً می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند. زن می تواند در اموال خود چه به صورت جهیزیه و یا غیر آن، آزادانه تصرف کند و هر نوع عمل مادی یا حقوقی انجام دهد. شوهر حق هیچ گونه مداخله در اموال و دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی را در این زمینه ایجاد نمی کند.

در حقوق اسلامی زن می تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به امر او انجام می دهد و از وظایف زناشویی نیست از او مطالبه حق الزحمه نماید.

نفقه زن

برابر ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی « در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است » این مزیتی است که قانون گذار ایران برای زن قائل شده است.

نفقه عبارتست از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن و خوراک و پوشاک و اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و در صورت لزوم خدمتکار و...

در **نفقه زن**، وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک عمل است نه وضعیت مرد. (ماده ۱۱۰۷ ق.م) **ماهیت حق زن بر نفقه:** برای تشخیص ماهیت و طبیعت حق زن بر نفقه باید به اراده شوهر و عرف و عادت که مفسر اراده شوهر است رجوع کرد.

در مورد اموال مصرف شدنی مانند خوردنی ها و آشامیدنی ها، عطر، صابون و ... می توان زن را مالک آنها تلقی کرد اما در مورد اموالی که با انتفاع از آنها عین نابود نمی شود مانند مسکن و اثاث خانه زن، لباس، کفش و غیره تنها حق انتفاع از آنها را دارد و به مالکیت زن در نمی آید.

تصرفات زن در اموالی که به عنوان نفقه تملک کند، هرگاه برخلاف متعارف و به زیان شوهر باشد سوء استفاده از حق تلقی می شود که موجب مسئولیت مدنی است. (ماده ۱۳۲ ق.م)

ویژگی های نفقه زن

نفقه زن در مقام مقایسه با نفقه اقارب (خویشان نسبی) دارای ویژگی هایی به شرح زیر است:

۱- نفقه زن مقدم بر نفقه اقارب است. (ماده ۱۲۰۳ ق.م)

۲- زن می تواند نفقه گذشته خود را مطالبه کند در حالیکه اقارب فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه نمایند. (۱۲۰۶ ق.م)

۳- نفقه زن مشروط به فقر او یا تمکن مرد نیست لیکن در نفقه اقارب فقر یک طرف و تمکن طرف دیگر شرط است. (۱۱۲۹ ق.م)

۴- نفقه زوجه تکلیف یک جانبه است، در حالی که نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است.

۵- طلب زن بابت نفقه طلب ممتاز است و بر سایر بدهیها مقدم است ولی نفقه اقارب دارای این خصوصیت نیست. (ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده)

نفقه زن پس از انحلال ازدواج

طبق ماده ۱۱۰۹ ق.م، نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد. طبق ماده ۱۱۰۹ ق.م، اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

مهر: مهر یا صداق که به فارسی **کابین** گفته شده است مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می شود و مرد ملزم به دادن آن به زن است. نهاد مهر در حقوق ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن در حقوق غربی وجود ندارد.

در نکاح دائم تعیین مهر شرط صحت قرارداد نیست و ممکن است نکاح بدون تعیین مهر واقع گردد که در اینصورت زن پس از نزدیکی مستحق مهر المثل خواهد بود.

در فقه و قانون مدنی مهر بر سه گونه است: **مهر المسمی، مهر المثل، مهر المته**

تعیین مهر در عقد ازدواج

مهر المسمی: هر گاه مهر در عقد ازدواج تعیین شده باشد آن را **مهر المسمی** گویند. ماده ۱۱۰۰ ق.م) این نوع مهر ممکن است **عین معین** باشد مانند خانه، زمین، باغ، اتومبیل، ... و یا **منفعت** باشد مانند: سکونت یا اجاره بهای خانه ای برای مدت معین؛ و نیز ممکن است **عمل (کار)** باشد که این کار باید دارای ارزش اقتصادی باشد مانند **تعلیم زبان خارجی، هنر آشپزی، هنرخیاطی، ...** همچنین ممکن است مهر حق باشد اعم از حق دینی، حق عینی، و حق خیار.

شرایط مهر المسمی: قراردادی که زن و شوهر نسبت به مهر می بندند یک قرارداد تبعی است و تابع عقد نکاح است. چیزی که به عنوان مهر تعیین می شود باید دارای شرایطی باشد از جمله:

۱- مهر باید مالیت داشته یعنی دارای ارزش داد و ستد باشد.

۲- مهر باید قابل تملک به وسیله زن باشد لذا اموال و مشترکات عمومی و موقوفات را نمی توان مهر قرارداد.

- ۳- هرگاه مهر عین معین باشد باید در زمان عقد موجود باشد و اگر موجود نباشد تعیین مهر باطل است.
- ۴- مالی که مهر قرارداد شده باید از اموال شوهر باشد. البته ملک غیر را هم با اذن مالک می توان مهر قرارداد.
- ۵- مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد یعنی مقدار و وصف و جنس آن مشخص باشد.
- ۶- مهر باید معین باشد و نباید مُردد بین دو چیز باشد.
- ۷- مهر باید منفعت عقلانی مشروع داشته باشد.
- ۸- شوهر باید قدرت بر تسلیم مهر داشته باشد.

مقدار مهر المسمی: طبق ماده ۱۰۸۰ ق.م، تعیین مقدار مهر منوط به ترازی طرفین است. بعضی از فقهای امامیه مانند سید مرتضی و صدوق معتقدند که میزان مهر نباید از مهر سنت تجاوز کند (مهری که پیامبر برای دخترش فاطمه تعیین کرد، پانصد درهم بوده است). چنانچه مقداری طلا به عنوان مهر تعیین و همراه با قیمت روز عقد به ریال در سند نکاح ذکر شود زن هنگام مطالبه می تواند شوهر را ملزم به تأدیه عین یا بهای زمان پرداخت نماید.

نکته: تعهد به عدم انجام کاری می تواند مورد مهر واقع شود.

مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن: طبق ماده ۱۰۸۲ ق.م، به مجرد عقد زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی در آن نماید.

نکته: در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی، نصف مهر به شوهر بر می گردد. طبق ماده ۱۰۸۵ ق.م، زن می تواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند (عدم تمکین که به آن حق حبس گویند) مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

عدم تعیین مهر در عقد ازدواج

عدم مهر: اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد قبل از تراضی و پس از نزدیکی مهر المثل به زن تعلق می گیرد که تعیین آن بر حسب وضع زن است و اگر قبل از نزدیکی و تعیین مهر طلاق واقع شود زن مستحق مهر المتعه خواهد بود که با توجه به وضع مرد از حیث دارایی و نداری تعیین می شود.

اثر انحلال ازدواج در مهر: اگر نکاح قبل از تعیین مهر و بعد از نزدیکی منحل شود زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

مهر المسمی در مورد فوت: فوت شوهر هیچگونه تأثیری در مهر المسمی ندارد و چنانچه مهر در زمان حیات شوهر تسلیم نشده باشد زن می تواند پس از فوت همه آن را مطالبه کند.

انحلال نکاح

انحلال ازدواج عبارت از انقطاع و از میان رفتن رابطه زناشویی .

ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی بیان می کند « عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود» ، البته فوت یکی از زوجین نیز یکی از عوامل انحلال ازدواج می باشد.

طلاق : طلاق در لغت به معنی رها کردن است، طلاق عبارتست از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاصی از جانب مرد یا نماینده او.

موجبات طلاق

اسباب طلاق :

- ۱ - مرد می تواند برابر با مقررات به دادگاه مراجعه کند و زن خود را طلاق دهد.
- ۱- زن در موارد خاصی برابر مواد ۱۰۲۹ - ۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ قانون مدنی می تواند تقاضای طلاق نماید.
- ۲- زوجین با شرایط خاصی می توانند توافقی از هم جدا شوند.

جلسه: هشتم آموزشی

فصل پنجم - قرابت و نسب

الف- مفهوم اولاد: «اولاد» جمع «ولد» به معنی فرزند است. ولد به کسی که با واسطه یا بی واسطه از دیگری به وجود آمده باشد.

کسانی که بی واسطه از زن و مرد به وجود می آیند ، اولاد به معنای خاص و کسانی که بی واسطه یا با واسطه از دیگری به وجود می آیند ، اولاد به معنای عام گویند که در عرف بر حسب درجه نزدیکی و دوری به ترتیب فرزند، نوه، نتیجه و نبیره نام دارد. اولاد اعم از خاص و عام با ابوی یا اجداد خود قانوناً روابطی حقوقی خاصی دارند که در بعضی از این آثار و روابط حقوقی ، درجه نزدیکی و دوری آن مؤثر است ، مانند ارث

ب- مفهوم نسب: «نسب» در لغت به معنای اصل و «نژاد و خویشاوندی» است. در اصطلاح حقوقی وابستگی خونی و حقوقی بین افراد را گویند که شامل نسب خاص و عام می باشد.

۱- **نسب خاص:** عبارت از علاقه و رابطه خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که بر اثر تولد، یکی از صلب یا بطن دیگری به طور مستقیم به وجود آمده است.

۲- **نسب عام:** عبارت از علاقه و رابطه خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که بر اثر تولد یکی از آنها از صلب یا بطن دیگری و یا بر اثر ولادت هر دو نفر از ثالثی ایجاد شده است.

نسب به مفهوم خاص ممکن است پدر یا مادری باشد ولی نسب به مفهوم عام ممکن است پدری یا مادری یا ابوینی باشد.

قرابت: قرابت به معنی خویشاوندی است که در قانون مدنی به سه قسم تقسیم شده است : نسبی، سببی، رضاعی و قرابت ناشی از سرپرستی یا فرزند خواندگی را نیز می توان به آن افزود.

قرابت نسبی

قرابت نسبی خویشاوندی مربوط به خون است و بین کسانی به وجود می آید که درای یک خون و نیاکان مشترک هستند.

طبقات و درجات قرابت نسبی

طبق ماده ۱۰۳۲ قانون ، قرابت نسبی شامل سه طبقه است و هر طبقه دارای درجاتی است :

طبقه اول : پدر و مادر و اولاد و اولادِ اولاد

طبقه دوم: اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

طبقه سوم: اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها

نسل اول از هر طبقه در درجه اول و نسل بعدی در درجه دوم و نسل سوم در درجه سوم همان طبقه قرار می گیرد.

آثار قرابت نسبی

آثار قرابت نسبی عبارتند از: ولایت قهری، حضانت، نفقه اقارب، حرمت نکاح، توارث، ممنوعیت قضاوت و داوری که مربوط به آئین دادرسی است.

قرابت سببی

قرابت سببی خویشاوندی ناشی از ازدواج است و رابطه ای است بین زن شوهر با یکدیگر و بین هر یک از زوجین با خویشان نسبی دیگری.

طبق ماده ۱۰۳۳ قانون مدنی، هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد، در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت.

آثار قرابت سببی

خویشان سببی در مقابل همدیگر حقوق و تکالیفی از جهت مالی ندارند مگر زن و شوهر که از یکدیگر ارث می برند. بنابراین پدر و مادر زن یا پدر و مادر شوهر از داماد یا عروس خود ارث نمی برند، همانطور که داماد و عروس از آنها ارث نخواهند برد. زن علاوه بر مهریه، نفقه نیز به او تعلق می گیرد، ولی از لحاظ غیر مالی آثاری به آن مترتب می گردد مانند: حرمت ازدواج، ممنوعیت ازدواج، داوری، شهادت، ابلاغ و اجرای احکام.

ازدواج: در زمینه حرمت نکاح با اقارب سببی، می توان اقارب را به چهار گروه تقسیم کرد:

گروه اول: کسانی هستند که همزمان با ایجاد علقه زوجیت حرمت نکاح به طور دائم بین آنان به وجود می آید و بعد از انحلال نکاح این حرمت رفع نمی گردد مانند مادر و جدات زن و عروس که ازدواج با این افراد برای همیشه ممنوع است.

گروه دوم: کسانی هستند که وجود علقه زوجیت به تنهایی سبب حرمت نکاح با آنها نیست و این حرمت وقتی ایجاد می شود که علاوه بر نکاح، نزدیکی نیز بین زوجین تحقق یافته باشد مثل دختر و نوه و نبیره زن.

گروه سوم: کسانی هستند که با وجود علقه زوجیت، چه مواقعه صورت گرفته باشد و چه صورت نگرفته باشد نکاح با آنان موقتاً ممنوع است ولی این ممنوعیت با انحلال رفع می شود مانند خواهر زن.

گروه چهارم: کسانی هستند که ازدواج با آنها مقید به اذن زوجه است و در صورت عدم کسب اجازه، ازدواج غیر نافذ است مانند ازدواج با خواهر زاده یا برادر زاده زوجه.

قرابت رضاعی

رضاع (به فتح و کس راء) در لغت به معنی شیر خوردن است.

شیر خوردن طفل از زنی که مادر طبیعی و نسبی او نیست با شرایطی که قانون مقرر داشته ایجاد یک نوع رابطه خویشاوندی می کند که آن را قرابت رضاعی گویند.

قرابت رضاعی ویژه حقوق اسلام و کشورهای اسلامی است

قرابت رضاعی پیش از اسلام نیز وجود داشته است و بنابراین قرابت رضاعی از نهادهای امضایی

اسلام است نه تاسیسی. قرابت رضاعی در اسلام مستند به قرآن و سنت و اجماع است. (سوره نساء / ۲۳)

حدیث «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» یعنی رضاع از حیث حرمت نکاح در حکم نسب است. لذا اثر قرابت رضاعی فقط از لحاظ منع نکاح است.

قرابت رضاعی در قانون مدنی

طبق ماده ۱۰۴۶ ق.م. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه:

اولاً: شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.

ثانیاً: شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.

ثالثاً: طفل لااقل یک شبانه روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.

رابعاً: شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.

خامساً: مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و یک شوهر باشد.

نکته: اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیرداده باشد، آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی باشد.

نکته: شخص در همان حدودی که نمی تواند با خویشان نسبی همسرش ازدواج کند با خویشان رضاعی او نیز نمی تواند ازدواج کند.

قرابت ناشی از سرپرستی اطفال بدون سرپرست

فرزند خواندگی یا تبئی: آن است که کسی دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزندی بپذیرد.

شرایط سرپرستی

الف- شرایط مربوط به سرپرستان : شرایط مربوط به سرپرستان طبق ماده ۱ و ۳ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست عبارتند از :

- ۱- وجود رابطه نکاح بین زن و مرد سرپرست (نکاح دائم)
- ۲- اقامت در ایران
- ۳- توافق برای سرپرستی
- ۴- صاحب فرزند نشدن تا پنج سال از تاریخ ازدواج : هرگاه زوجین به دلایل پزشکی نتوانند از یکدیگر صاحب فرزند شوند دادگاه می تواند آنها را از این شرط معاف کند. ۵
- ۵- سن ۳۰ سال برای یکی از زوجین
- ۶- عدم محکومیت جزایی موثر به علت ارتکاب جرائم عمدی
- ۷- اهلیت ۸- شایستگی اخلاقی ۹- تمکن مالی ۱۰- عدم ابتلاء به بیماریهای واگیردار صعب العلاج ۱۱- عدم اعتیاد.

نکته : هرگاه مالی از طرف زوجین به طفل تحت سرپرستی هبه شده باشد ، در صورت فوت طفل اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.

ب- شرایط طفل : طفلی که برای سرپرستی به خانواده ای سپرده می شود باید دارای شرایط زیر باشد :

- ۱- سن کمتر از ۱۲ سال ۲- معلوم نبودن یا فوت پدر و مادر و جد پدری به مدت ۳ سال

تشریفات و آیین دادرسی در این زمینه

برای سرپرستی ، زن و شوهر باید مشترکاً تقاضانامه ای تنظیم و به دادگاه تسلیم نمایند که دادگاه صلاحیت دار در این مورد دادگاه عمومی محل اقامت آنان است.

دادگاه قبل از صدور حکم سرپرستی ، طفل را با صدور قرار دوره آزمایشی به مدت ۶ ماه به زوجین سرپرست خواهد داد. کلیه احکام مربوط به سرپرستی قابل فرجام خواهی است.

فسخ سرپرستی

برابر ماده ۱۶ قانون مذکور ، سرپرستی در موارد زیر قابل فسخ است :

- ۱- تقاضای دادستان در صورت سوء رفتار یا عدم اهلیت زوجین
- ۲- تقاضای سرپرست در صورت سوء رفتار طفل و عدم قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل
- ۳- توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر با زوجین یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل

آثار سرپرستی

حقوق و تکالیف سرپرستان و طفل : طبق ماده ۱۴ همان قانون، حقوق و تکالیف ناشی از سرپرستی به شرح زیر است :

۱- نگهداری و تربیت

۲- نفقه، که در وهله اول بر عهده مرد است و در غیر اینصورت بر عهده زن می باشد.

۳- احترام

۴- اداره اموال و نمایندگی قانونی

۵- نام خانوادگی (که به نام خانوادگی زوج نامیده خواهد شد).

نکته : سرپرستی از موجبات ارث نخواهد بود و همچنین منع نکاح بین سرپرست و طفل تحت سرپرستی به وجود نخواهد آمد.

نکته : خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به کسی سپرده شده در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل است ولی پس از قطعیت سرپرستی خروج طفل با اجازه سرپرست مجاز خواهد بود.

جلسه نهم آموزشی

نسب

انواع نسب عبارتند از:

- ۱ - نسب مشروع
- ۲ - نسب ناشی از شبه
- ۳ - نسب ناشی از تلقیح مصنوعی
- ۴ - نسب ناشی از زنا

ازین چهار نوع نسب فقط نسب مشروع و نسب ناشی از تلقیح مصنوعی را بررسی می کنیم:

۱- **نسب مشروع:** این نسب را نسب قانونی نیز گویند که ناشی از نکاح است. در حقوق ایران نسب هنگامی مشروع و قانونی شناخته می شود که در زمان انعقاد نطفه طفل، رابطه بین پدر و مادر او وجود داشته باشد. این نوع نسب در همه کشورها به رسمیت شناخته شده است و دارای آثار حقوقی است.

اثبات نسب مشروع

هرگاه نسب مشروع طفلی مورد اختلاف باشد برای اثبات آن سه موضوع باید ثابت شود: رابطه زوجیت، نسب مادری و نسب پدری.

رسیدگی به دعوای نسب در صلاحیت دادگاه خانواده است و رای دادگاه در این خصوص قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان است و رای دادگاه تجدید نظر قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

الف- اثبات رابطه زوجیت: برای اثبات نسب مشروع باید ثابت شود که بین پدر و مادر ادعایی پیوند زناشویی صحیح و قانونی وجود داشته است.

اثبات رابطه زوجیت با هر یک از ادله اثبات دعوی مانند اقرار- سند- گواهی - امارات قضایی و سوگند امکان پذیر است. در حقوق ایران وجود رابطه زوجیت در زمان انعقاد نطفه شرط نسب مشروع تلقی شده است، پس چنانچه بر اثر رابطه جنسی آزاد، نطفه طفل قبل از ازدواج بسته شود و طفل بعد از ازدواج بدنیا آید نمی توان نسب او را مشروع دانست، حتی اگر انعقاد نطفه در دوره نامزدی صورت گرفته باشد. عرف و عادت مسلم نیز که مبتنی بر فقه اسلامی است این نظر را تأیید می کند.

ب- اثبات نسب مادری: در اثبات نسب مادری باید ثابت شود:

اولاً: زنی که مادر طفل معرفی شده بچه ای به دنیا آورده است.

ثانیاً: این طفل همان طفلی است که اثبات نسب او مورد نظر است. به عبارت دیگر، در این زمینه باید وضع حمل زن از یک سو و هویت طفل از سوی دیگر اثبات شود تا نسب مشروع مادری محرز گردد. در اثبات نسب مادری می توان از هر یک از ادله استفاده کرد و محدودیتی ندارد. شناسنامه که نام مادر در آن قید شده است می تواند وضع حمل زن را اثبات کند. کسی که آن را انکار می کند باید دلیل دیگری بیاورد. دادگاه های ایران معمولاً شناسنامه یا رونوشت آن را برای اثبات هویت کافی می دانند.

ج- اثبات نسب پدری: اثبات نسب پدری دشوارتر از اثبات نسب مادری است، زیرا ولادت طفل از مادر امری خارجی و مشهود است؛ اما تکون طفل از نطفه مردی معین (شوهر زن) امری مخفی است که بدون آگاهی اشخاص صورت می گیرد، حتی پدر و مادر از انعقاد نطفه فوراً مطلع نخواهند شد. حتی آزمایش خون فقط می تواند عدم نسب را ثابت کند و از اثبات وجود نسب به طور قاطع ناتوان است.

در اثبات نسب پدری باید به دلایلی ظنی اکتفا کرد و ساده ترین و آسان ترن راه اثبات نسب پدری اماره فراش می باشد.

اماره فراش

فراش (به کسر فاء) در لغت به معنی بستر و در اصطلاح کنایه از شوهر است.

اماره فراش یا ابوت در اصطلاح حقوقی عبارت از این است که طفلی که از زن شوهر داری به دنیا آمده باشد، فرزند شوهر فرض می شود و ملحق به اوست.

در توجیه اماره فراش دلایل مختلفی آورده شده که عبارتند از:

۱- عفت زن و انجام تکالیف زناشویی که مفروض است اقتضا می کند که طفل از آن شوهر باشد.

۲- شوهر با عقد نکاح به طور ضمنی اطفال متولد از زنش را فرزندان خویش شناخته است.

۳- این قاعده موافق مصلحت جامعه است. (موجب صلح و آرامش خانواده است)

طبق ماده ۱۱۵۸ق.م، طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط براینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از ۶ ماه و بیشتر از ۱۰ ماه نگذشته باشد.

دلایل دیگر در اثبات نسب پدری

نسب پدری از طریق شهادت و امارات قضایی نیز قابل اثبات است.

نتیجه آزمایش خون می تواند دلیل منفی بر نسب تلقی شود ولی نمی تواند دلیل بر مثبت نسب باشد.

عوامل ارثی و زیست شناسی که اصطلاحاً تن پیمایی نامیده می شود نیز در اثبات نسب می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

نفی نسب

ممکن است کسی که ظاهراً با دیگری قرابت نسبی دارد اقدام به نفی نسب کند، نفی نسب به وسیله پدر را اصطلاحاً نفی ولد گویند که معمولاً از طریق اثبات خلاف اماره فراش تحقق می یابد.

ممکن است پدر از طریق آزمایش پزشکی ثابت کند که نطفه او فاقد ماده حیاتی است یا دچار ناتوانی جنسی است یا با استفاده از آزمایش خون اثبات نماید که گروه خونی او و طفل متفاوت است که در این موارد تشخیص ارزش کارشناسی (گواهی) با دادرس است. گاهی اشخاص دیگر که ظاهراً منتسب به طفل هستند می توانند نفی نسب کنند و به طور کلی هر شخص ذینفع حق اقامه چنین دعوی دارد. نفی نسب از جانب فرزند یا نوه.

نسب ناشی از تلقیح مصنوعی

تلقیح در لغت به معنی باردار کردن و لقاح به باردار شدن است.

تلقیح مصنوعی عبارت از این است که زن را با وسایل مصنوعی و بدون اینکه نزدیکی صورت گیرد آبستن کنند. فقهای اسلام تلقیح مصنوعی از نقطه غیر شوهر را حرام دانسته اند.

وضع حقوقی طفل ناشی از تلقیح مصنوعی

الف- تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر: در صورتی که شوهر نتواند با زن نزدیکی کند، و صاحب فرزند شود ولی عقیم نبوده و نطفه اش دارای ماده حیاتی باشد، ممکن است تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر انجام شود، طفلی که از این طرق به دنیا می آید، این طفل ملحق به شوهر و زن خواهد بود و نسب او مشروع باید تلقی شود.

ب- تلقیح مصنوعی با نطفه غیر شوهر: هرگاه تلقیح مصنوعی با نطفه شخصی غیر شوهر (مرد اجنبی) باشد باید رابطه حقوقی طفل را با مادر و صاحب نطفه و شوهر زن بررسی کرد.

۱- **رابطه طفل با مادر:** طفل فقط در صورتی به مادر خود ملحق نمی شود که مادر زناکار محسوب گردد و در مورد لقاح مصنوعی، اعم از اینکه زن جاهل یا عالم به آن باشد، زنا صدق نمی کند و طفل ملحق به مادر است.

۲- **رابطه طفل با صاحب نطفه** : چنانچه بعضی از فقها گفته اند، می توان قائل به الحاق طفل به پدر طبیعی خود (صاحب نطفه) شد اعم از اینکه عالم یا جاهل به لقاح باشد. زیرا طفل از نطفه او متکون شده و عرفاً و لغتاً فرزند او به شمار می آید، و زنا محسوب نمی شود.

۳- **رابطه طفل با شوهر زن** : هرگاه زن شوهر داری با نطفه مرد اجنبی از طریق تلقیح مصنوعی باردار شود و بچه ای به دنیا بیاید، در این مورد چون طفل از نطفه شوهر زن نیست با او رابطه نسب نخواهد داشت، لیکن طبق قاعده فراش در این مورد نیز ظاهراً طفل ملحق به شوهر خواهد بود، مگر اینکه ثابت شود که از نطفه مرد دیگر است. و اگر تلقیح با رضایت شوهر انجام شده باشد، شوهر اقدام به نفی ولد نمی کند.

انتقال جنین

جواز یا ممنوعیت انتقال جنین : در زمینه جواز یا ممنوعیت تشکیل جنین آزمایشگاهی و انتقال آن به رحم زن، حکم صریحی در حقوق اسلام دیده نمی شود.

هرگاه زن و شوهری به طور طبیعی صاحب فرزند نشوند و جنین در خارج از رحم تشکیل گردد چه از نطفه اجنبی و چه از نطفه زن و شوهر، نامشروع و غیر قانونی نیست. اما در بین فقهای معاصر اختلاف نظر وجود دارد. در حقوق ایران، قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور به این مسأله پرداخته و با شرایطی آن را پذیرفته است.

صحت یا بطلان قرارداد تولید مثل برای دیگری (اجاره رحم)

ممکن است انتقال جنین به رحم بیگانه به موجب قرارداد اجاره یا قرارداد دیگری اعم از معوض یا غیر معوض صورت گیرد. اگر زن شوهر داری که نمی تواند یا نمی خواهد به طور طبیعی صاحب فرزند شود، اقدام به تشکیل جنین از نطفه خود و شوهرش در آزمایشگاه می نماید و بعد برای انتقال و پرورش جنین در رحم زن دیگر، قرارداد اجاره می بندد و به تعبیری رحم او را برای رشد جنین اجاره می کند. قانون ایران در این باره ساکت است.

در این مورد قرارداد مزبور نوعی تجاوز به حریم زندگی مشترک زوجین و کانون خانواده است و به حقوق معنوی زن و شوهر و صاحب رحم لطمه می زند، لذا چنین قراردادی برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است. برابر با مواد ۹۶۰ و ۹۷۵ قانون مدنی باطل است.

رابطه حقوقی طفل با اشخاص ذینفع از لحاظ نسب

در مورد نسب اطفال ، حقوق ایران اصولاً رابطه طبیعی و ژنتیکی را مبنا قرار داده ، یعنی طفل ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است. لیکن از آنجا که تولید مثل با روش مصنوعی زنا به شمار نمی آید، لذا در الحاق طفل به پدر و مادر ژنتیکی یعنی صاحب اسپرم و تخمک اشکالی نیست. در مورد انتساب جنین آزمایشگاهی به زنی که او را در رحم خود پرورش داده ، در حالی که طفل از تخمک او نیست ، نوعی قرابت رضاعی بین آنها حاکم است. اما با توجه به آیه شریفه « و ان أمهاتهم الا اللاتی ولد نهم» (مجادله ۲/) طفل به او ملحق و منتسب می گردد و رابطه نسب مشروع با کلیه آثار حقوقی آن بین آنان برقرار می شود.

در صورتی که صاحب رحم شوهر داشته باشد و نطفه از آن او نباشد نمی توان طفل را به شوهر منتسب کرد، البته اگر طفل دختر باشد شوهر زن نمی تواند با او ازدواج کند و این دختر از محارم سببی شوهر به شمار می آید.

جلسات آموزشی به امید خدا ادامه دارد